

گفتمان امروز چپ: بایسته‌ها و درس‌های تاریخی

نقد اقتصاد سیاسی

فراخوان مقاله



همزمان با شکل‌گیری نخستین انقلاب در ایران مدرن و در نخستین سال‌های قرن بیستم «فرقه‌ی اجتماع‌یون عامیون» یا نخستین حزب سوسیال‌دموکرات ایران به همت حیدرخان عمواوغلی تأسیس شد. از آن زمان توالی مستمر ابتدا شکل‌گیری و فراگیری تشکل‌های چپ و سپس سرکوب و ازهم‌گسیختگی آن‌ها در پیوند مستقیم با فراز و فرودهای انقلاب‌های سیاسی و برهه‌های تاریخی کاهش اقتدار دولت‌های سرکوبگر همراه بود. چنان‌که در دوره‌های پس از استبداد صغیر تا هنگام استقرار دیکتاتوری رضاشاه، اشغال ایران به‌دست متفقین تا کودتای مرداد ۱۳۳۲ و نخستین سال‌های انقلاب بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شاهد اعتلای فعالیت تشکل‌ها و احزاب چپ بودیم. همواره نیز شاهد انبوه کوشندگانی بودیم که در سال‌های سرکوب و بسته شدن فضای سیاسی می‌کوشیدند تشکل‌های چپ را زنده نگه‌دارند یا از نو تشکل‌هایی پدید آورند و نیز انبوه اندیشمندانی که تفکر چپ را زنده نگه‌داشتند.

از این‌رو، گفتمان چپ طی تمامی این دهه‌ها همواره به حیات خود ادامه داده است و بخشی چشم‌پوشی‌ناپذیر از گفتمان روشنفکری ایران مدرن بوده است. شعر و ادبیات و نمایش و دیگر عرصه‌های فرهنگی، انبوه ترجمه‌ها، پژوهش‌های تاریخی، تحلیل‌های اقتصادی - اجتماعی،... تجلی استمرار حیات این گفتمان حتی در سیاه‌ترین ادوار تاریخ معاصر ما بوده است.

در عین حال، اگرچه بخشی از چپ همواره خود مبتکر «انتقاد از خود» بوده و انتقادی‌ترین بازخوانی‌ها از گذشته را خود چپ انجام داده است اما در سه دهه‌ی گذشته شاهد نوعی «سرکوب نرم» چپ در قالب انواعی از بازنویسی‌های تجدیدنظرطلبانه‌ی تاریخ چپ بوده‌ایم. این تجدیدنظرطلبی تاریخی در دهه‌های بعد از انقلاب بهمن ۵۷، به‌ویژه در بستر فروپاشی «سوسیالیسم واقعاً موجود» و عقب‌نشینی سوسیال‌دموکراسی در برابر نولیبرالیسم، چیرگی گفتمان‌های پسامارکسیستی بر گرایش‌هایی از چپ و چه بسا گرفتار شدن در بوالهوسی مدهای روشنفکری، ما را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که:

گفتمان امروز چپ: بایسته‌ها و درس‌های تاریخی

گفتمان نظری بایسته‌ی چپ امروز در ایران در چه ارتباطی
با گذشته‌ی تاریخی خود قرار دارد؟ اگر قرار است گفتمان چپ
نسبت به گذشته گامی به پیش بردارد از گذشته‌ی خود چه
درسی می‌تواند بیاموزد و در چه نسبتی با گذشته‌اش قرار
می‌گیرد؟

در این‌جا، هدف تکرار روایت‌های تاریخی و بازخوانی تاریخ چپ نیست بلکه تمرکز بر درس‌های نظری است که این تاریخ برای نسل‌های امروز دارد. چپ امروز کوله‌باری از گفتمان‌های نظری را از گذشته بر دوش دارد که دستورکارها و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی مشخصی به همراه داشته است. اگر باید گفتمانی برای امروز ساخت که آینده‌ای متفاوت و قابل‌تحقق را به تصویر بکشد، بخشی از این گفتمان باید متکی بر درس‌هایی باشد که از تاریخ‌مان می‌گیریم، پس کدام بخش این کوله‌بار نظری را باید حفظ کرد و کدام بخش را باید زمین گذاشت تا در ایرانی آکنده از بحران‌های ساختاری بنیان‌کن، مخاطرات محیط‌زیستی و چشم‌اندازهای آخرالزمانی، در بطن جهانی بحران‌زده که شاهد برآمد و قدرت‌گیری راست‌ترین گرایش‌های نوفاشیستی هستیم، گفتمان جدید چپ قادر به ترسیم اتوپیا‌های واقعی و احیای امید اجتماعی و برداشتن گام‌های بعدی باشد؟

«نقد اقتصاد سیاسی»